

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن – المان ، نومبر ۲۰۰۱م

جولان شاعر

« ای قلم به دست آخر » زود باش و جولان کن
حَوَل نیست و حالی نیست ، عشق را مجالی نیست
آه ، دل نمی دانم رشته در کجا دارد
گر سیه دل گمراه ، می رسد به تو از راه
دفع گر نشد شیطان ، نعره زن بده فرمان
دور دور شیطان نیست ، صحنه رجز خوانیست
جوهر سخن پر بار ، خنجر قلم بردار
این فلک ستیزان را ، مغز زورمندان را
در جهان گیر و دار ، سر ز پای غم بردار
یاد ملت مظلوم ، یاد ملت معصوم
ملتی که مغبون است غرق دجله خون است
بین که آخر این ملت تا به کی کشد ذلت
ملت سرا پا غم ، ملت سرا پا خون
با زنان بیچاره ، مرد پیره ن پاره
ملت خوش آئینی ، سر فراز و سنگینی
مشکل ترا هرگز کس نمی کند آسان
کابلت پریشان است ، قندهار ویران است
کای سلاله احمد ، ای صحیفه رحمت
این سیه دلان امروز نارواتر از دیروز

در قلمرو هستی جلوه نمایان کن
باده را خیالی نیست ترک این خمستان کن
آخر ای دو چشم از خون موج خیز و طوفان کن
« لا اله الا الله » گفته دفع شیطان کن
داد از فلک بستان ، هر که هست حیران کن
ملتی به قربانیست ، همت ای سخندان کن
در دل عدو بگذار چهره ها نمایان کن
خیز و بر زمین بشکن ، کار شیر مردان کن
دیده وا کن و یک بار یاد قوم افغان کن
مرغ زخمی مصدوم رحم کرده درمان کن
درد او ببین چونست جست و جو و پرسان کن
با تأثر و حسرت دیده اشک ریزان کن
ملت سرا پا درد یاد آر و گریان کن
بهر طفل آواره ، فکر لقمه نان کن
از سرشک خونینی موج ها به دامن کن
این گره ز هم بگشا ، مشکل خود آسان کن
در مزار طوفان است ، روبه شاه مردان کن
رنج و غم شده بی حد بار غصه پایان کن
درس مردمی آموز ، کار شان به سامان کن

از «اسیر» غم — پرور ، گر نمی کنی باور

ظلم دشمنان بنگر ، قد کشیده طغیان کن